ساز و کار شورای فرهنگ عمومی در گفت‌وگو با دبیر این شورا

در شورای فرهنگ عمومی چه می‌گذرد؟

■ ناصر صبحی

آیین‌نامه شورای فرهنگ عمومی شهرستان در پی اجرای ماده ۵ آیین‌نامه شورای فرهنگ عمومی استان در سال ۱۳۸۵ تبیین شد. در شرح وظایف این شورا به مواردی نظیر بررسی معضلات جامعه شهری و روستایی و ارایه راهکار مناسب، تلاش جهت حذف سنت‌های غلط، ارایه گزارش سالانه از وضع فرهنگ عمومی شهرستان و... اشاره شده است.

اعضای این شورا متشکل از برخی مسئولان نظیر امام جمعه، فرماندار، نماینده مجلس، دادستان، شهردار، رؤسای شورای شهر، دادگستری، سازمان تبلیغات، میراث فرهنگی، دانشگاه شهرستان، ارشاد، آموزش و پرورش، اطلاعات و تربیت‌بدنی، نماینده ارباب جراید، سه نفر از شخصیت‌های معتبر فرهنگی و هنری شهرستان، فرمانده بسیج، فرمانده نیروی انتظامی، یک نفر از ائمه جماعات شهرستان و رییس نمایندگی سازمان صدا و سیمای شهرستان هستند.

این افراد برای فرهنگ این شهرستان و ۳۲۰ هزار نفر جمعیت حاضر در آن تصمیم می‌گیرند اما مشکل این جاست که نه تنها این تصمیم‌ها پشت درهای بسته گرفته می‌شود که هیچ‌یک از مردم نیز از این مصوبات خبر ندارد. مهم‌ترین دلیل این اتفاق، عدم حضور خبرنگاران در شورای فرهنگ عمومی است. هرچند در آیین‌نامه این شورا اشاره‌ای به حضور خبرنگاران نشده اما حضور ایشان نیز منع نگردیده است و مطابق برداشت حقوقی، هرجا که قانون سکوت کند به معنی بلامانع بدون است. مطابق این خوانش نباید منعی برای حضور خبرنگاران و انعکاس مصوبات شورا وجود داشته باشد اما ماجرا برعکس است. برای یافتن چرایی این اتفاق به سراغ مجید پورمحسنی؛ دبیر شورای فرهنگ‌عمومی شهرستان رفتیم.

■ در شورای فرهنگ عمومی چه خبر است؟

همان‌طور که از اسمش پیداست این یک شورا است. اعضای شورا بر اساس یک سرفصل‌هایی که از شورای فرهنگ کشور ابلاغ می‌شود، سالانه می‌نشینند و مشکلات جامعه را اعم از فقر فرهنگی، آسیب‌های اجتماعی، سبک زندگی. حالا بحث‌های مختلف دیگر رصد می‌کنند. این کار بر اساس سرفصل‌ها انجام می‌شود. مثلا ۱۷ سرفصل بوده که هر کدام از این‌ها شش یا هفت مورد شاخص هم دارند؛ یعنی چیزی بالغ بر ۶۰ تا ۷۰ عنوان. ما پایان هر سال، یعنی در اسفندماه این موضوعات را بین اعضا مطرح می‌کنیم و از دوستان نظرخواهی می‌کنیم که مشکلات شهرستان ما به کدام یک از این مشکلات و سرفصل‌ها نزدیک است. بعد این‌ها را در دستور کار ماهانه هر جلسه می‌گذاریم. بر این اساس دستور کار تدوین و تاریخ‌ها تنظیم می‌شود. تنها جلسه‌ای است که تا پایان سال تاریخ‌هایش تعیین شده و سه‌شنبه آخر هر ماه بدون استثنا جلسات برگزار می‌شود. با دستور کاری که اول سال به همه اعضای شورا می‌دهیم، می‌روند و بر اساس این دستور کار مطالعه می‌کنند و باید در بحث‌های شورای فرهنگی مشارکت کنند. در نهایت در پایان هر جلسه برای مصوبات شورای فرهنگی عمومی رای‌گیری می‌کنیم و بر اساس رای اعضا تصویب می‌شود.

■ چرا خبرنگاران در جلسه شورای فرهنگی حضور ندارند؟

قانون شورای فرهنگ عمومی که از شورای عالی انقلاب فرهنگی ابلاغ می‌شود، بر اساس یک نظم و نسق خاصی است؛ یعنی چارت دارد. اعضای شورای فرهنگ عمومی سه سال یک بار انتخاب می‌شوند. این اعضا یک سری اشخاص حقوقی هستند که بر اساس چارتی که از تهران برای ما ارسال می‌کنند، دعوت می‌شوند. ما جلسات‌مان را باید بر اساس این چارت برگزار کنیم. اتفاقا نماینده ارباب جراید جزو اشخاص حقوقی است. انتخاب نماینده ارباب جراید به این نحو است که این مسئولیت را به دبیر شورای فرهنگ عمومی هر شهر سپرده‌اند؛ یعنی رییس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی سه نفر از ارباب جراید را معرفی می‌کند. از بین این سه نفر، امام جمعه با فرماندار به صورت مشارکتی یک نفر را انتخاب می‌کنند.

■ واژه ارباب جراید بیشتر آدم را یاد مدیرمسئول یا حداقل سردبیر یک نشریه فعال می‌اندازد.

پیشنهاد ما روز اول این طور بود که نظر به سوابق نشریات سیرجان یکی از مدیرمسئول‌ها را دعوت کنیم. ما سه تا شخصیت را معرفی کرده بودیم که نماینده نشریات تاثیرگذار شهر بودند. نشریاتی که سابقه‌شان بیشتر از نشریات دیگر بود منتها مورد تایید قرار نگرفتند. چون رییس جلسه شورای فرهنگی امام جمعه است و اختیار تام دارد، ایشان آقای احمدزاده را انتخاب کردند.

■ کار ارباب جراید در این شورا چیست؟

ارباب جراید هم یکی از اعضا است. ارباب جراید، اشخاصی هستند که حوزه شهر را رصد می‌کنند و مشکلات شهر را در حوزه‌های مختلف می‌بینند. به‌حساب، چشم‌بینای جامعه هستند و مشکلات مردم را از نزدیک مشاهده می‌کنند و می‌توانند به جلسات انتقال دهند این نکته مهمی است.

نکته بعدی انعکاس اخبار شورای فرهنگ عمومی از طریق جراید است؛ یعنی به نوعی جلسات از طریق ایشان به جامعه منتقل شود.

■ برای من دو ابهام ایجاد شده است. اول این که جناب آقای احمدزاده برای من بسیار شخصیت محترم و یک خبرنگار خوش‌نام هستند اما مدت‌هاست که حضور فعالی در رسانه‌ها ندارند.

دو سال پیش هم این اتفاق افتاد؛ یعنی مدیران مطبوعات به نماینده ارباب جراید اعتراض داشتند. همه‌شان هم حرف شما را تکرار کردند و ضمن تاکید بر احترامی که برای آقای احمدزاده قایل هستند، می‌گفتند ما اعتقاد داریم آن آیتم‌هایی که مدنظر ما بوده، لحاظ نشده است منتها تصمیم گیرنده رییس شورای فرهنگی عمومی است.

■ ابهام دوم من این است که گفتید یکی از دلایل حضور ارباب جراید، انعکاس اخبار شورای فرهنگی است اما حداقل من اطلاع‌رسانی در این مورد ندیدم.

بله، این هم انجام نشده.

■ انجام نشده یا اجازه داده نشده؟

عملا این مورد اجرا نشده است.

■ عده‌ای که محترم هم هستند جایی می‌نشینند و برای فرهنگ ۳۲۰ هزار نفر مردم شهرستان تصمیم می‌گیرند، بدون این که آن ۳۲۰ هزار نفر بدانند چه تصمیم گرفته شده. به نظر شما این منطقی است؟

ببینید! ما سه تا شخصیت فرهنگی که آشنا به مسایل فرهنگی و هنری شهر هستند را در جلسات شورا دعوت می‌کنیم، دو تا از شخصیت‌های ما دانشگاهی هستند. با توجه به این که ما می‌خواستیم از وجود همه چهره‌های دانشگاهی استفاده کنیم، دو تا از این‌ها را بردیم بین شخصیت‌های حقیقی‌مان. در کنار این‌ها، کارگروه داریم. یک کارگروه برنامه‌ریزی و فرهنگی در شورای فرهنگ عمومی. ما دستور کار جلسات شورا را در کارگروه مطرح می‌کنیم، دوستان و بزرگوارانی که در حوزه مسایل فرهنگی و هنری آشنایی و اشراف دارند، دعوت می‌شوند و نظرات این دوستان گرفته می‌شود. نهایتا نظرات به جلسه نهایی شورای فرهنگ عمومی منتقل می‌شود که ۱۰ روز یا یک هفته بعد از جلسه کارگروه است. در آن جا می‌گوییم که فلان مورد را در جلسه کارگروه مورد بحث و بررسی قرار دادیم و تصمیماتی گرفته شد که این راه‌ها را انجام دهیم. در نهایت اعضای شورا رای می‌دهند که این مصوبات اجرا شوند یا نشوند.

■ شما از ۲ عضو دانشگاهی نام بردید؛ می‌توانم بپرسم این اعضا ریاست کدام دانشگاه‌ها هستند؟

دانشگاه آزاد، دانشگاه صنعتی و پیام نور

■ برخی از این افراد حاضر نیستند در مورد وقایع رخ داده در دانشگاه تحت مدیریت‌شان به نشریات پاسخگو باشند یا مصاحبه کنند. بعد چنین فردی به جلسه شورای فرهنگ عمومی دعوت می‌شود تا برای فرهنگ شهر و فرهنگ‌سازی در شهر پیشنهاد بدهد؟

بحث این است که ایشان به تنهایی که پیشنهاد نمی‌دهد؛ در یک جمع پیشنهاد مطرح می‌شود و در نهایت این جمع هستند که تصمیم می‌گیرند. ایشان هم یکی از اعضای شورا است. ببینید در چارتی که من گفتم این شخصیت‌ها دیده شده‌اند. این شخصیت‌ها به انتخاب افراد نیستند. از سال‌ها قبل نفر اول دانشگاه -آزاد- را برای شخصیت حقوقی انتخاب کردیم و ۲ نفر شخصیت‌های پیام نور و صنعتی هم که معمولا متغیر بودند به عنوان شخصیت‌های فرهنگی حقیقی انتخاب کردیم ولی در کنار این‌ها ما وقتی برای جلسه کارگروه از دوستان دعوت می‌کنیم، می‌نویسیم شخصا به جلسه بیاید یا به تناسب جلسه یک فرد آگاه به مسئله را بفرستید.

■ آقای حسن‌پور در جلسات شرکت می‌کنند؟

معمولا رییس دفترشان شرکت می‌کند.

■ زمان جلسات با حضور ایشان در سیرجان هماهنگ نیست؟

حتا اگر اینجا هم باشند، شرکت نمی‌کنند. مثلا در سال‌هایی که من بودم تنها یک‌بار آقای حسن‌پور شرکت کردند.

■ اتفاقا یکی از انتقادهای ما به آقای حسن‌پور همین است که در مسایل فرهنگی فعالیت چندانی ندارند.

اخیرا یک فعالیت خیر گونه‌ای در بازسازی تالار فردوسی انجام داده‌اند. تامین اعتباری که شد توسط ایشان بوده و خیرش را هم ایشان معرفی کرده است و خُب در این زمینه ۴۰۰ میلیون تومان هزینه شده است.

■ من از حرف‌های شما این‌طور برداشت کردم که در حقیقت تمایلی به حضور نشریات در شورای فرهنگ عمومی وجود ندارد.

ساختار از بالا تعریف شده و اقتدار این جلسات با خود امام جمعه است. ناگفته نماند که شورای فرهنگ عمومی ما بهترین شورای فرهنگ عمومی در استان است. در سه سال گذشته مقام اول شورای فرهنگ عمومی استان را داریم. در بحث کمیت برگزاری جلسات و نظمی که جلسات ما دارد. ما از جمله شهرستان‌هایی هستیم که ۱۲ جلسه را کامل داریم و ۱۲ جلسه هم کارگروه داریم؛ یعنی ما ۲۴ جلسه در سال داریم که این خیلی مهم است. در این زمینه امام جمعه مورد تقدیر استان قرار گرفته و از لحاظ مصوبات هم مصوباتی که ما داشتیم خیلی خوب بوده و بالغ بر ۸۰ درصد مصوبات ما اجرایی هستند؛ یعنی دستگاه‌ها ملزم به اجرای آن‌ها هستند و از این جهت اقتدار جلسات ما توسط امام جمعه زبانزد استان است.

■ من جواب سوالم را نگرفتم. یعنی ایشان تمایلی ندارند که خبرنگاران در جلسات حضور داشته باشند؟

تمایل ایشان را من نمی‌توانم حدس بزنم یا بگویم.

■ خبرنگاران در جلسات شورای شهر و شورای اداری حضور دارند و...

توی چارت نداریم که خبرنگار در جلسات شورای فرهنگ عمومی حضور داشته باشد.

■ چارت در مورد اعضاست و ما جزو اعضا نیستیم. در آیین‌نامه نگفته که خبرنگاران حضور داشته باشند اما حضورشان منع هم نشده و قانون در مواقعی که سکوت کرده، یعنی بلامانع است.

نمی‌دانم. در یک مقطعی ما می‌خواستیم اخبار مصوبات را به عنوان دبیر بیرون بدهیم. امام جمعه گفت اجازه بدهید که من با نماینده ارباب جراید بررسی کنم و بعد این خبرها را منعکس می‌کنیم. بعد از دو بار انتشار مصوبات دیگر اتفاقی نیفتاد. تصمیم گیرنده در این مورد رییس شورا است و دقیقا انعکاس اخبار به دستور ایشان است.

■ این شهری که می‌بینیم حاصل کار شورا است؟

از لحاظ فرهنگی؟

■ این جلسات چه خروجی‌ای تا به حال داشته؟

مسلما خروجی که دارد. سقف جلسه شورا یک ساعت و نیم است. معمولا موضوعات مطرح و بعد به کارگروه‌های مختلف واگذار می‌شود. پارسال روی بحث کسب و کار و اقتصاد خانواده کار پژوهشی کردیم که ببینیم ما که می‌خواهیم برای مردم نسخه بپیچیم، در کجا قرار گرفتیم و مولفه‌های‌مان چیست. امسال روی همین بحث‌ها داریم ادامه می‌دهیم و کارهای پژوهشی‌مان را هم دانشگاه انجام می‌دهد. جلسات شورای فرهنگ عمومی درطول ماه برگزار می‌شود و کارگروه‌ها هم کارها و مصوبات خودشان را دارند که به دبیرخانه اعلام می‌کند و ما در گزارش‌های‌مان اشاره می‌کنیم.

■ نواقص آن‌قدر آشکار است که من نمی‌دانم چه بگویم.

کار پرطمطراقی است و شما هم چسبیده‌اید به همین.

■ مشکل این جاست که اکثر افرادی که در شورا حضور دارند، زیرمجموعه فرهنگی خودشان مشکل دارد. کاری نداریم این مشکل ناشی از مدیریت فردی است یا ناشی از ساختار کشوری آن مجموعه اما به هر حال مشکلات جدی دارند و این آقایان دارند برای فرهنگ شهر تصمیم‌می‌گیرند.

فرهنگ مولفه خیلی مهمی است. رشد جامعه با فرهنگ است. زیربنای هر توسعه‌ای فرهنگ است. تا توسعه فرهنگی نباشد، توسعه صنعتی یا اجتماعی به وجود نمی‌آید. این را همه می‌دانند ولی فرهنگ یک طفل سرراهی است. هر که رسیده، یک لگدی به فرهنگ زده. تا زمانی که ما به فرهنگ این جامعه احترام نگذاریم، فرهنگ را ارتقا و توسعه ندهیم و نگاه‌مان به فرهنگ چیزی مثل یک موجود فانتزی توی زندگی آدم‌ها نباشد، هیچ اتفاق خاصی نخواهد افتاد. فرهنگ باید جایگاه خودش را پیدا کند. اصلا اگر کشور در همه زمینه‌ها توسعه پیدا کند و لی فرهنگ جامعه‌مان پایین باشد، این اتفاقات می‌افتد که مثلا حرکتی در فوتبال می‌شود و مردم می‌ریزند توی پیج یک نفر و فحش می‌دهند. این‌ها همه از فقر فرهنگی است. یک دست صدا ندارد. شما فقط اعضای شورا را می‌گویید اما تمام ارکان و حتا آحاد یک جامعه باید دست به دست هم بدهند تا فرهنگ یک جامعه را بسازند و رشد و ارتقا دهند.

■ جلسه هفته گذشته شورای فرهنگ‌عمومی در چه مورد بود و چه مصوباتی داشت؟

دبیر فقط کاتب است که جلسات را هماهنگ کند و دستور کار را ببرد. در نهایت رییس است که تصمیم می‌گیرد چه چیزی مصوب شود یا نشود، منعکس بشود یا نشود. این دست رییس است. من به همه این‌ها دسترسی دارم ولی امکان انعکاس‌شان را ندارم.

■ پس بگذارید به گذشته برگردیم. تصمیمات فرهنگی که قبلا گرفته شده، چه نمودهایی در جامعه داشته؟

کار فرهنگی دیر بازده است. ما نمی‌توانیم مثل یک ساختمان به آن نگاه کنیم و بگوییم این بنا ظرف دو یا سه ماه آینده بالا می‌رود. کارهایی که ما در شورای فرهنگ عمومی می‌کنیم، فرهنگ‌سازی است؛ یعنی به‌نوعی جایگزین کردن فرهنگ‌های درست جای بدعت‌های غلط و فرهنگ‌های ناصحیح. اصل روی فرهنگ‌سازی است. مثلا بحث آموزش را واقعا جدی گرفتیم و معتقدیم با آموزش فرهنگ‌سازی می‌شود. جامعه هدف را جامعه کودکان و نوجوانان در نظر گرفتیم. بیشتر در همه جلسات، ملاک عمل ما رشد و پرورش ذهن دانش‌آموزان است. همچنین مباحثی مثل اعتیاد، فضای مجازی، تحکیم بنیان خانواده، مهارت‌های زندگی، سبک زندگی، حقوق شهروندی و همه این‌ها ملاک ماست. اینها را هدف قرار دادیم که فرهنگ‌سازی کنیم. حتا دانشگاه‌ها را هم هدف قرار دادیم و مباحث را به سطح دانشگاه‌ها می‌بریم. انتظار ما در بیلان کاری فرهنگی این است که وقتی روی یک جامعه هدف ۱۰۰ نفری کار می‌کنید، یک یا دو تا هم که نتیجه بگیرید، برای ما آمد خیلی خوب و خیره کننده‌ای است.

■ تا اینجا جملات خیلی زیبایی گفتید اما این‌ها نتیجه نیست، هدف است. من فکر می‌کنم وقتی در شورای فرهنگ عمومی شفافیت، اطلاع‌رسانی و گردش آزاد اطلاعات وجود ندارد، یعنی این شورا محل اشکال است.

من این را ناشی از یک عامل دیگر هم می‌دانم. من احساس می‌کنم شاید هنوز جامعه مطبوعاتی سمت امام جمعه نرفته تا مطالبه‌گری کند. آیا تا به حال کسی پیش ایشان رفته که ایشان هم گفته باشد من این حرف‌ها را نمی‌گویم یا منتقل نمی‌کنم؟ این مصوبات خیلی هم جنبه محرمانه ندارد. خیلی‌هاشان مشکلات عدیده جامعه است که باید درست و بهسازی شود. این مباحث چیز محرم و نهی نیست ولی کسی از جامعه روزنامه‌نگاری نرفته که مطالبه کند. نرفته مصاحبه‌ای در این رابطه با امام جمعه انجام دهد. اگر می‌رفت چه بسا اصلا این اتفاقات نمی‌افتاد و ایشان روی خوش به آن‌ها نشان می‌داد و حتا مصوبات را منتقل می‌کرد. حتا ممکن بود مثلا این وظیفه را به من بسپارد که این مصوبات را به رویت خبرنگاران برسانید. من می‌گویم چون تجربه نکردیم، نمی‌توانیم قضاوت کنیم.

■ نقد شما را می‌پذیرم ولی تصور ما از امام جمعه این است که ایشان فرد رسانه‌ای نیست. من برای موضوع دیگری جهت مصاحبه پیش ایشان رفتم و موافقت نکردند.

ببینید! در کنار این که واقعا نشریات ما توسعه یافته هستند، خطری که نشریات را تهدید می‌کند و نقطه تاریکی در این ماجرا وجود دارد، این است که کسانی به نشریات ما وصل شدند که واقعا نان را به نرخ روز می‌خورند و به نرخ روز می‌نویسند. در حوزه نشریه افراد قدر، شخصیت‌های خوب و نشریات قوی داریم که پرورش پیدا کردند ولی این معضلاتی که می‌گویم برگرفته از این است که یک تعدادی خودشان را به نشریات چسبانده‌اند و از قِبل این نشریات یا دنبال اسم و رسم هستند یا دنبال کار و نوایی که حالا بعضی‌هاشان هم حتا پیدا کردند...

کنسرت گروه سایه‌سار ۱۳ مرداد برگزار می‌شود

■ پاسارگاد: چهارمین کنسرت گروه سایه‌سار ۱۳ مرداد ماه ساعت ۲۱ در سالن هلال احمر برگزار می‌شود. محمد شهسواری پس از برگزاری دو کنسرت با نوازندگان مطرح کشور هفته آینده با گروه سیرجانی سایه‌سار روی صحنه می‌رود. در این گروه محمد شهسواری تار و آواز، سعید جریده کمانچه، محسن خواجویی تار باس، محمود ایران‌نژاد تنبک، بهزاد ضیاعود، محمد یغمایی سه‌تار، مصطفی خدابخش سنتور و محمد یاراحمدی دف می‌نوازند. قرار است گروه سایه‌سار قطعاتی را از نوید دهقان اجرا کند. محمد شهسواری در این رابطه می‌گوید: برای این کنسرت شش ماه تمرین داشتیم و قرار است پنج تصنیف در دستگاه ماهور و چند آواز دشتی اجرا شود.

سرمقاله

از رشک تا تاسف راهی نیست

■ رضا مسلمی‌زاده

راست است که سر دلبران آنگاه که در حدیث دیگران بیاید، بسی خوش‌تر است. معمولا کسانی که از پایتخت به دیگر نقاط ایران سفر می‌کنند، نوعی نگاه از بالا به پایین دارند و احساس‌شان چیزی از جنس معاشرت با اهل دهات است. روزی که گروهی برای ساخت فیلم از تهران به مس سرچشمه آمده بودند و در لابه‌لای حرف‌های‌شان از وسعت دانش و فهم بالای و احاطه هنری مدیر روابط عمومی یک مجموعه‌ی معدنی با تعجب حرف می‌زدند، اعتراف ایشان حسی از غرور و افتخار در من برانگیخت و معنای شعر مولوی را برایم تبلور عینی بخشید: «وه چه خوش باشد که سر دلبران/ گفته آید در حدیث دیگران».

سر دلبران از زبان دیگران خوش‌تر است اما هنگامی دوچندان می‌شود که روزنامه‌نگار کارکشته‌ای همچون محمد لطیف‌کار بنویسد: «سیدعلی میرافضلی شاعر و پژوهشگر ارجمند، روز گذشته با فعالیت حرفه‌ایش در مس خداحافظی کرد، تا فرصت‌های بیشتری برای رستگاری در حوزه‌ی دلخواهش، یعنی فرهنگ و هنر در اختیار داشته باشد... ثمره‌ی تلاش‌های او در مدیریت روابط اجتماعی و فرهنگی مس با جامعه پیرامون و حتی گستره‌ی کشور، ارجمندانه و ماندگار است.»

اگرچه نیروی انسانی خلاق و کارآمد مهم‌ترین عنصر توسعه است اما همگان بیشتر در حرف به زبانش می‌آورند و در عمل کمتر بدان پایبندند و تملق تا اطلاع ثانوی موثرترین وسیله‌ی ارتقاست، البته اگر آقازادگی وژن خوب مجال بدهند.

در چنین آشفته‌احوالی؛ امثال سیدعلی میرافضلی دره‌ی نادره و کبریت احمر به حساب می‌آیند. با خود می‌اندیشم حالا که عمر خدمت وی به پایان آمده بر سر روابط‌عمومی مس سرچشمه چه خواهد آمد؟ میرافضلی مصداق روشن «شرف المکان بالمکین» است. او فخر و عزت مس بود و بدان اعتبار بخشید. اگر قرار باشد یک روابط‌عمومی را با کارکرد و جایگاه واقعی‌اش معرفی کنیم، بدون شک مس سرچشمه با اختلافی فاحش در صدر می‌نشیند. چنین جایگاهی رشک‌آور است و البته برای ما بسی عبرت‌آموز.

سیرجان میان دو مجموعه‌ی صنعتی و معدنی قرار گرفته است؛ یکی در شمال‌شرقی به نام مسِ سرچشمه و دیگری در جنوب‌غربی به نام آهنِ گل‌گهر. فاصله‌شان به لحاظ جغرافیایی زیاد نیست اما در نوع نگاه‌شان به مقوله‌ی پراهمیتی چون روابط‌عمومی گویی فاصله‌یی میان آسمان و زمین است و به اندازه رشک به یکی و تاسف به حال دیگری.

نحوه‌ی سلوک روابط‌عمومی گل‌گهر در دوران مدیرعامل جدید، یکی از آزمون‌های پیش روی اوست. بر جمشید ملارحمان فرض است که با تاملی بر آنچه که در روابط‌عمومی مس‌سرچشمه و گل‌گهر در سال‌های گذشته رفته است، به اعتبار و عزت مجموعه‌ی خویش نگاهی عمیق‌تر بیفکند. روابط‌عمومی نه کاری است خُرد که بشود زمام آن را به هر کسی سپرد و انتظار داشت تا تجربه مس‌سرچشمه تکرار شود. روابط‌عمومی اعتبار و آبروی یک مجموعه است و اگر مدیری با اهمال در این انتخاب آبروی خویش و مجموعه‌اش را به حراج بگذارد، از دیگران کاری ساخته‌نیست.

یادداشت

با شیرخشک فردای فرزندان‌مان را به بازی نگیریم

■ دکتر فتح‌الله باستانی*

این مقاله‌ی کوتاه چکیده‌ی مطالب علمی و مقالات متعدد تحقیقی درباره‌ی مشکلات شیرخشک است، امید اینکه هرگز کودکی را با دادن شیرخشک راهی آینده‌ای نامطمئن‌نکنیم.

بخشی از مشکلات تغذیه با شیرخشک در زیر آورده شده است؛

کودکی که با شیرخشک تغذیه می‌شود در آینده دچار بیماری‌های عفونی مختلف مثل: سینه‌پهلو، اختلالات گوارشی، عفونت‌های گوش و سایر عفونت‌ها می‌شود. زیرا شیرخشک فاقد عوامل ایمنی‌بخشی است که بصورت آنتی‌بادی در شیرمادر وجود دارد؛ آنتی‌بادی‌ها عوامل دفاعی بدن هستند که مادر در طی عمر خود با گرفتن بیماری‌های مختلف به دست آورده است و نوزاد با خوردن شیر مادر درواقع اولین واکسن را دریافت می‌کند و سبب ایمنی در برابر بیماری‌ها می‌شود که در واقع آغوز-شیر اولیه مادر- دارای بیشترین مقدار عوامل ایمنی است. کودکی که باشیرخشک تغذیه شده است دچار بیماری‌های آلرژیک مثل آسم و اگزما می‌شود، دیابت هم در افرادی که سابقه‌ی مصرف شیرخشک دارند به علت آلبومین گاوی بیشتر است که این آلبومین باحمله به سلول‌های تولیدکننده انسولین زمینه دیابت را فراهم می‌کند.

کودکانی که از شیرخشک استفاده می‌کنند به ویژه اگر نارس باشند دچار کاهش میزان هوش و اختلال در تعاملات اجتماعی می‌شوند. زیرا مادر با دادن شیر خود که دارای چربی‌ها و اسیدآمینه ضروری است سبب رشد بهتر یاخته‌های عصبی و افزایش هوش به ویژه هوش اجتماعی می‌شود و قدرت عاطفه در کودکی که از شیر مادر تغذیه می‌کند به سبب در آغوش بودن مادر بیشتر می‌شود و در برخورد با سایر افراد مهربان‌تر و انسانی‌تر برخورد می‌کند.

سکته‌های قلبی و مغزی و فشارخون و مشکلات عروق کلیوی در نوزادانی که شیرخشک خورده‌اند بیشتر است چرا که نمک شیرخشک بیشتر است و نوع چربی موجود در شیرخشک آسیب و تنگی عروق را تشدید می‌کند. خلاصه اینکه شیرخشک همان شیرگاو است با تغییرات جزیی، و هیچ شیرخشکی از شیرانسانی تهیه نمی‌شود و تاکنون هم تلاش‌های بشر برای ساخت شیری شبیه شیر مادر بی‌نتیجه بوده است. پس با آموزش صحیح مادر و اطرافیان در جهت تشویق و ترویج شیرمادر برای داشتن جامعه‌ای سالم همه تلاش‌مان را بکنیم.

چند نکته در این خصوص مهم است:

آموزش شیردهی در دوران حاملگی و رفع اشکالات آناتومیک اگر وجود داشت

آماده کردن مادر از نظر روحی و روانی برای شیردهی

آموزش به اطرافیان که سخن ناامیدکننده به مادر نگویند

آگاهی از عوارض شیرخشک

دانستن این نکته که هر مادری قادر به شیردهی است و تعداد انگشت‌شماری از بیماری‌ها و داروها هستند که منع شیردهی دارند. به امید روزی که ما با جامعه جهانی در دادن شیرمادر نزدیک شویم که متاسفانه در این مورد کشور ما هم‌اکنون فاصله‌ی زیادی با کشورهای دیگر دارد.

***متخصص کودکان و نوزادان**

نماینده ارباب جراید در شورا:

حضور خبرنگاران در شورا به تصمیم رییس ارشاد بستگی دارد

سیدمحمود حسینی امام جمعه و رییس شورای فرهنگ‌عمومی در پاسخ به تقاضای ما برای گفت‌وگو به چند جمله کوتاه بسنده کرد و با اشاره به نشست خبری (سالیانه) گفت: نیازی نیست خبرنگاران در جلسات شورا باشند، چون نماینده آن‌ها هست. نماینده ارباب جراید را رییس اداره ارشاد انتخاب می‌کند. برای من فرقی ندارد چه کسی باشد.

در پی پاسخ های رییس شورای فرهنگ عمومی، به سراغ مجتبا احمدزاده؛ نماینده ارباب جراید رفتیم تا سؤال‌های‌مان را با وی در میان بگذاریم.

■ اسم نماینده ارباب جراید، یک مدیرمسئول یا سردبیر را به ذهن می‌آورد. با توجه به این که شما مدیرمسئولی و سردبیری را برعهده ندارید، این منافی آن نام نیست؟

نماینده ارباب جراید اصطلاحی هست که آقای پورمحسنی به کار برده است. در اصل باید گفت نماینده نشریات محلی در شورای فرهنگ عمومی اما باید توضیح دهم من در اولین جلسه که دعوت شدم اعلام کردم که خودم را نماینده نشریات محلی نمی‌دانم. چون نشریات محلی اصلا خبر ندارند که من نماینده‌شان هستم. اگر قرار است نشریات نماینده‌ای داشته باشند، باید مدیرمسئول‌ها و سردبیرها بیایند و انتخاباتی برگزار کنند تا یک نفر را به‌عنوان نماینده خودشان به شورای فرهنگ عمومی بفرستند. در آن جلسه تمامی اعضای شورا که بیش از ۳۰ نفر هستند، حضور داشتند و من این مسئله را مطرح کردم. آقای وفایی که رییس وقت ارشاد بود گفت که نماینده نشریات محلی این نیست که نشریات یک نماینده را انتخاب کنند. من به عنوان رییس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی که دبیر شورای فرهنگ عمومی هستم، یک نفر از فعالان مطبوعاتی را به رییس شورا که امام جمعه است معرفی می‌کنم و اگر ایشان تایید و موافقت کردند، این فرد به عنوان نماینده نشریات از طرف ما انتخاب می‌شود. الان دبیر شورا بنده را به عنوان یکی از فعالان مطبوعاتی به جلسات شورا دعوت می‌کند، نه اینکه من نماینده مطبوعات باشم. با این حال در این چند سال که توی شورا هستم، مدافع حقوق مطبوعات بودم و با اینکه مدیران مسئول و سردبیرها هیچ کدام اطلاع ندارند، حتا چند مورد دفاع من از نشریات باعث شد تا با بعضی مسئولان از جمله فرمانده نیروی انتظامی و بعضی از مسئولان قضایی به درگیری لفظی برسد. من آنجا در مقابل مواردی که غیرمنصفانه و ناعادلانه بود، از مطبوعات دفاع کردم و جلوی بعضی از سخنانی را که ممکن بود منجر به تصویب مصوباتی علیه مطبوعات شود گرفتیم. این عضویت تا به حال برای من جز دردسر چیزی نداشته است (می‌خندد). بارها به آقای پورمحسنی گفتم فردی را جایگزین من کنند و ایشان با این توجیه که آقای امام‌جمعه شما را قبول دارد و بی‌حاشیه‌تر هستید و نظایر این‌ها، گفته است بمان.

■ یکی از انتقادهای ما این است که اولا شما مدتی است حضور پررنگ در نشریات ندارید و دوم این که حداقل من در یکی دو سال اخیر ندیدم مصوبات شورا منتشر شود.

با توجه به زیاد شدن مشغله‌هایم، انتقاد اول را قبول دارم و گفتم که خودم هم ترجیح می‌دهم در شورا نباشم اما در مورد نقد دوم باید بگویم اصلا قرار نبوده مصوبات را من منتشر کنم. اصلا مصوبات در اختیار من قرار نمی‌گیرد. بلکه در اختیار دبیرخانه شورا که اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی است، قرار می‌گیرد. تمام مصوبات شورای فرهنگ عمومی ارزش دارند اما برخی از آن‌ها شاید ارزش خبری نداشته باشند. ولی معمولا در این چند سال مواردی را که دارای ارزش خبری بودند به صورت خبر و گزارش از جلسه شورا به تمام نشریات اطلاع دادم. اگر در ۳ ماه اخیر خبری را از این شورا مخابره نکردم به خاطر این بوده که موارد مطرح شده چندان ارزش خبری نداشته در حد مصوبه بوده که خیلی‌های‌شان هم مصوبات خیلی خوبی است. کارهای فرهنگی و زیرساختی است، کارهای تاثیرگذار بلندمدتی است که در شهر شروع می‌شود ولی خُب، شاید خیلی ارزش خبری نداشته باشد.

■ چرا از خبرنگاران برای حضور در این جلسه مانند جلسات شورای شهر یا شورای اداری دعوت نمی‌شود؟

قبلا خبرنگاران در جلسه شورای فرهنگ عمومی می‌آمدند. سال‌ها پیش از آنکه من به عنوان نماینده نشریات در جلسات باشم. بعد شنیدم به خاطر عملکرد بد برخی از خبرنگاران (البته نمی‌دانم واقعا که بوده یا چه کار کرده) در روند جلسه یک سری اخلال ایجاد شده و یا اخباری از شورای فرهنگ عمومی مخابره شده که با واقعیت متفاوت بوده یا مثلا برداشت غلط خبرنگار بوده و در نشریه منتشر شده و آب ریخته‌ای بوده که نمی‌شده جمعش کنی. سؤال شما، سؤال خود من هم بوده و در جواب این را شنیدم که به خاطر اینکه مشکلات این‌چنینی پیش نیاید. البته هیچ چیز توی شورای فرهنگی نیست که محرمانه باشد یا به صلاح نباشد. منظور این است که خبر آن گونه که بوده، مصوبه آن گونه که تصویب شده و راجع بهش صحبت شده منتشر شود. البته الان هم که یک سری افرادی می‌آیند و عکس می‌گیرند و جلوگیری هم نمی‌شود. حالا هم از خبرنگاران دعوت نمی‌کنند یا اطلاع‌رسانی نمی‌کنند ولی اگر خبرنگاری بیاید، فکر نمی‌کنم جلویش را بگیرند.

■ نباید اشتباه یکی، دو خبرنگار باعث شود چنین شرایطی ایجاد گردد و ممنوعیت به وجود بیاید.

من اصلا قایل به ممنوعیت حضور خبرنگاران نیستم و این ممنوعیت را قبول ندارم. گفتم خیلی بعید می‌دانم اگر خبرنگاری بخواهد بیاید، جلویش گرفته شود ولی این که اطلاع‌رسانی نمی‌شود برای این است که می‌گویند یک نفر به اسم احمدزاده را آوردیم تا اطلاع‌رسانی را انجام دهد. البته احمدزاده قلبا خودش راضی نیست (می‌خندد).

■ پس ما به پشتوانه حرف شما به جلسات بیاییم؟

من در مقامی نیستم که بخواهم فردی را دعوت کنم، دبیر شورا یعنی آقای پورمحسنی باید تصمیم بگیرد و دعوت را انجام دهد.

■ تصور ما این است که عدم دعوت از خبرنگاران جهت حضور در جلسات شورا به دلیل رویکرد امام جمعه محترم است. یعنی ایشان تمایلی به حضور ما ندارند.

این‌گونه نیست. اتفاقا ایشان به تاثیرگذاری نشریات اعتقاد دارد و به همین دلیل در قبال رسانه‌ها با احتیاط عمل می‌کند. ایشان یک دغدغه‌خاطر نسبت به نشریات دارد که برخی نشریات مسایل را آن گونه که هست، منتشر نمی‌کنند.

حالا نمی‌شود گفت این عیب امام جمعه است یا عیب نشریات. شاید یک حلقه مفقوده‌ای وجود دارد. ایشان اعتقاد دارد که نشریات بر اساس سلیقه خودشان بخشی از ماجرا را بُلد یا درشت‌تر یا کوچک‌تر می‌کنند که البته این ذات نشریات است و هر کدام بنابر سلیقه خودشان با اخبار برخورد می‌کنند اما همین موضوع باعث شده ایشان محتاطانه عمل کند. من خودم چندباری این نقد و انتظار نشریات را به ایشان منتقل کردم اما پاسخ می‌دادند اگر همان حرفی که می‌زنم منتشر شود، چه تریبونی بالاتر از نشریات اما متاسفانه...

■ پس بخشی از دغدغه ایشان امانت‌داری نشریات است اما این‌جا ابهامی وجود دارد که آیا دغدغه ایشان تنها ناظر به همین مورد است یا نقد و تحلیل نشریات از سخنان ایشان را هم در برمی‌گیرد. یعنی مثلا ایشان سخنی می‌گوید و ما این را عینا منتشر می‌کنیم اما ممکن است نقدی هم بر موضع ایشان داشته باشیم که بخواهیم طرح کنیم. امام جمعه با این بخش مشکل دارد؟

اصلا چنین نیست. شما ببینید ایشان تاکنون چقدر به تحلیل نشریات نقد داشته است؟ شاید موارد بسیار کم و انگشت‌شماری وجود داشته که مثلا موارد خاص امنیتی بوده یا از خط قرمزها عبور شده. موضع رسمی امام‌جمعه در نمازجمعه بیان می‌شود. تا جایی که یادم است، تاکنون ایشان فقط یک‌بار در نمازجمعه نسبت به نشریات موضع گرفته بود. حالا شاید این که گاه با تماس تلفنی یا با واسطه افراد به نشریات بگویند که کاش فلان مورد را ننوشته بودید یا اگر این گونه نوشته بودید، بهتر بود، وجود داشته اما بسیار کم است. شما از سردبیر خودتان بپرسید تاکنون چند بار امام‌جمعه در مورد مطالب شما ایراد گرفته. ایشان با خیلی از عکس‌هایی که در صفحه اول منتشر می‌شود، مخالف است اما تاکنون موضع مخالفتش را منتقل نکرده. به عبارت دیگر فشاری از جانب ایشان به نشریات وارد نشده است.

■ هدف ما همین بود که روشن شود دغدغه ایشان انتقال صحیح و امانت‌دارانه کلمات است یا این که مثلا نقد و تحلیل باید همان‌طور باشد که ایشان می‌پسندند

اصلا مورد اول نیست. مورد دوم صحیح است. مثلا مدتی پیش ایشان در خطبه‌های نمازجمعه موضعی در مورد برجام گرفت و یکی از نشریات در نیم صفحه موضع ایشان را نقد کرد و متهم کرد که ایشان نسبت به برکات برجام ناآگاه است. بروید از مدیرمسئول بپرسید آیا امام جمعه یا دفتر ایشان واکنشی به این ماجرا داشته یا خیر؟ یعنی ایشان به نقد شدن خودش هم واکنشی نشان نداده چه برسد به این که بخواهد بگوید تحلیل‌ها باید مطابق نظر ایشان باشد. حالا شاید شما اشاره‌تان به آن حرف امام‌جمعه است که یک زمانی از طرف دفتر ایشان به نشریات اعلام شد که اگر خواستید با روحانیون مصاحبه کنید، یک هماهنگی با امام‌جمعه انجام دهید که البته هیچ‌کدام از نشریات هم تا این لحظه به این سفارش عمل نکردند. من خودم هر دو مورد را قبول دارم چون مثلا هدف اداره ورزش این بود که مشخص شود ادعای آن فرد ورزشکار در مورد قهرمانی صحت دارد یا خیر. در مورد حرف امام‌جمعه هم، یکی از نشریات با فردی که ادعای روحانیت داشت مصاحبه کرده بود اما ایشان چند سال پیش از حوزه علمیه اخراج شده بود و اگر اشتباه نکنم به خاطر آن مصاحبه هم به دادگاه ویژه روحانیت احضار شد. هدف امام‌جمعه از هماهنگی، این بود که مشخص شود فردی که تحت عنوان روحانی مصاحبه می‌کند، واقعا روحانی است یا خیر اما برداشت نشریات این بود که امام‌جمعه گفته بدون اجازه من حق مصاحبه با روحانیون را ندارید. در مورد تحلیل‌ها هم که گفتید، با شناختی که از ایشان دارم اگر در مورد مطلب یک نشریه نیاز به موضع‌گیری و انتقاد باشد و ضرورت ایجاب کند، وی در نمازجمعه حرف خود را می‌زند اما حرف ایشان این نیست که مطالب را مطابق سلیقه ایشان منتشر کنید.

روی خط

پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۴۸۰۶
شماره تلگرام پاسارگاد: ۰۹۲۱۷۵۱۹۲۹۰

■ همشهریان گرامی لطفا به شرکت‌های قلابی که به اسم شرکت‌های بزرگ اصلی کلاه‌برداری اینترنتی می‌کنند اعتماد نکنید. ۴۷۱۹

■ جمع‌آوری زباله با ادوات فرسوده و ناکارآمد برازنده جامعه ما نیست به شیرآبه‌های کف خیابان که لاستیک ماشین‌ها به همه جا منتقل می‌کنند توجه کنید ۰۲۰۵

■ تا چه زمانی خانواده‌ها به خاطر کم‌کاری مسئولان جان‌شان در جاده‌ها باید از دست بدهند و داغدار شوند. برای نمونه طرح دوبانده کردن مسیر نجف‌شهر تا خواجو شهر بی دلیل متوقف شده و بارها در این مسیر تصادف مرگبار رخ داده اگر جان شهروندان برای شما مسئولان اهمیتی ندارد بدانید هر حادثه مرگبار علاوه بر داغدار کردن چند خانواده، اثرات مخرب دیگری به همراه دارد. لطفاً سیاسی بازی متوقف! ۰۱۱۴

■ وقتی می‌بینم درختی داره خشک می‌شه، دلم می‌سوزه! آقای شهردار نجف شهر، مسئول محترم فضای سبز، درختان خیابان سرداران سوختند از بی‌آبی ۰۰۹۵

■ شما رو به حضرت عباس قسم می‌دم فکری بردارین. چرا باید قیمت بیشتر اجناس خوراکی داخل شهر ما نسبت شهرهای دیکه گرون‌تر باشه مگه مردم شهر ما چه گناهی کردن؟ چرا خوردن میوه برا بچه‌هامون آرزو شده ۵۸۵۵

■ کمربندی بین شهرک صدف و شهرک ثارالله پل زیر گذر می‌خواد. خیلی رفت آمد زیاد شده، لطفا رسیدگی کنید... ۴۹۹۸

■ آهای کسی که سه‌شنبه شب ساعت ۹:۳۰ دقیقه شب تو خیابون خواجو با سرعت زیاد می‌خواستی اول بزنی به یه پراید بعدش ردش دادی می‌خواستی بزنی به عابر پیاده، اینجا شهر است نه پیست ماشین سواری! چرا فکر می‌کنی خیابون به نامته؟ ۲۲۱۳

■ خیابان امیرکبیر و مولوی آسفالت شد ولی خیابان‌های شهرک آب اسفالت نشد. در انتظار هستیم شهرداری به ما ضعیفان هم نگاه کند تا از خاک خوردن نجات یابیم. عوارض و نوسازی بیشتر از همه از ما می‌گیرند ۶۰۱۹

■ تنها چیزی که دولت امید به همت رییس برنامه و بودجه در کنترل آن موفق عمل کرده و نگذاشته‌اند افزایشی داشته باشد، پرداخت یارانه‌ها بوده که پس از گذشت ده سال از شروع پرداخت یارانه، کماکان دولت امید ماهانه همان مبلغ ۴۵۵۰۰ تومان می‌پردازد. ثابت نگه‌داشتن مبلغ یارانه طی این مدت یک رکورد محسوب می‌شود که تاکنون هیچ دولتی بعد از انقلاب نتوانسته این رکورد را به ثبت برساند. ۰۱۱۴

■ بنده به نیابت از ده‌ها نفر از رییس ایمنی گل‌گهر تقاضا داریم نسبت به شیفت کارکنان شرکت آرمان گهر معدن شماره یک اقدام کنند تا مبادا شاهد حوادث جبران‌ناپذیر باشیم. ۵ شب به مدت ۱۲ ساعت غیرقانونی است. خواهشمندیم این پیامک را منتشر کنید بلکه به گوش رییس ایمنی گل گهر برسد ۸۰۴۵

■ این ماشین‌های شهرداری که ساعت ۱ نیمه‌شب مشغول جمع‌آوری زباله‌ها هستند، چرا دیگه با صدای بلند بوق می‌زنند. با این کار همه را از خواب بیدار می‌کنند ۳۳۶۴

■ رییس آموزش‌وپرورش سیرجان لطف کند مدارسی که شهریه اجباری دریافت نمی‌کنند معرفی کند تا شهروندان در انتخاب مدرسه فرزندان‌شان حق انتخاب داشته باشند. ما تاکنون در هر مدرسه دولتی فرزندمان ثبت‌نام کرده‌ایم بلااستثناء شهریه گرفته‌اند حالا چطور رییس آموزش‌وپرورش چنین حرفی می‌زند، شاید از مدارس زیرمجموعه‌اش اطلاعی ندارد. شاید فقط از فرزند ایشان شهریه نمی‌گیرند. چرا به مردم حقیقت را نمی‌گویید؟ ۰۱۱۴

■ با سلام آقای قاضی حکم‌دهنده اعدام ۴۰۰۰ هزار نفر! بهتر بود در این مدت، گردن یا مچ خیلی از این مسئولان بی‌کفایت و اختلاس کننده را هم می‌زدی تا شاید احتیاج به این همه اعدام نبود. خیلی از این گردن کلفت‌ها باید ۱۰ بار اعدام می‌شدند ۶۳۶۷

■ وقتی رییس‌جمهور حباب قیمت گوشت قرمز را از وزیر جهاد و کشاورزی جویا می‌شود، بیانگر آن است مسئولان نظام از وضعیت قیمت‌ها بی‌اطلاع هستند و تصمیماتی که می‌گیرند براساس واقعیت‌های بازار نیست یا به قولی تصمیمات‌شان از روی شکم سیر خودشان است و نمی‌دانند که کارگران و کارمندانی که حداقل حقوق و دستمزد می‌گیرند و بازنشستگان و افراد بیکار جامعه چطور امرار معاش می‌کنند چون هیچ‌وقت مسئولان در جایگاه آنها قرار نگرفته‌اند ۰۱۱۴

■ آقای شهردار، شما را به خدا به فکر نیروهای شرکتی هم باشید. اکثر کارهای شهر و شهرداری را شرکتی‌ها انجام می‌دهند ولی حقوق و رسیدگی‌شان خیلی کمتر از قراردادی‌ها است. به خاطر خدا فکری بردارید. انگیزه و چشم نیروها به دست شماست ۵۴۲۱